



۲۰۱۹/۰۴/۲۴

س. ح. روغ

## بر نصیر فیاض خُرده نگیریم!

نصیر فیاض، اصولاً، تعهدی به رسمیات ندارد؛ فیاض از کرسی افکار عامه سخن می گوید؛ و اگر فیاض خشن شده است، پس فضای افکار عامه خشن شده است؛ و این که فضای افکار عامه پیوسته بیشتر از سیاست می لغزد، تقصیر آن بر اهل سیاست است که بجز لغزش سیاستی نداشته اند، نه بر نصیر فیاض! این هم درست است که وضعیت چنان در ریسمان بحران کشانیده می شود، که افکار عامه آسمان مصلحت های اصلی را دیده نمی تواند؛ این مصلحت های اصلی را باید نصیر فیاض نشان بدهد؛ و نشانی بدهد؛ نصیر فیاض خود را جاگزین افکار عامه نه سازد! نصیر فیاض ما افغانان را به غفلت از وضع خود آگاه بسازد، و نصیر فیاض این کار را می تواند، وختی که خود دچار غفلت نباشد؛ وضاحت می دهیم که نوشته فیاض «پوپولیسیم جنون آمیز رئیس جمهور غنی در محور سرنوشت میلیون ها افغان» یک نوشته جدی نیست. نصیر فیاض نمی تواند در این بدترین لحظات بحران، چشم ها را بر امکان برونرفت از بحران ببندد؛ در واقع رسالت اصلی نصیر فیاض در همین جاست: درحالی که همه به خشونت خدمت می دهد؛ نصیر فیاض بر مزار خشونت رقت بدهد؛ نصیر فیاض به آرامش و به دقت خدمت بدهد! و همه توجه را بر مزار حکومت مؤقت بدهد! بیطرفی مسلکی نصیر فیاض در همین است، که نصیر فیاض نمی تواند بیطرف باشد!

از عجایب وضعیت افغانستان، یکجای شدن کاندیدان ریاست جمهوری تحت شعار صریحاً پاکستانی «حکومت مؤقت» است؟ کدام دست چنین یک «اتحاد نامقدس» را دستچین کرده است؟ یکی از کاندیدان انتخابات ریاست جمهوری، که از طیف «چپ» در این اتحاد شرکت کرده است، گفت: «... ما هم به حیث نامزدان انتخابات ریاست جمهوری به این نتیجه رسیده ایم که «این» ختم است؛ هم مصلحت های ملی را در نظر گرفته ایم، هم مسئله جلوگیری از بحران را، و هم مسایل سیاسی و حقوقی در نظر گرفته شده است» سی سال قبل، با همین گونه بیانات، وطن در یک محاق نابودی تپله شد؛ دقیق می شویم:

در این بیان منظور از «مصلحت های ملی» چی است؟ مگر حکومت مؤقت سفارش علنی عمران خان نیست؟ و منظور «از جلوگیری از بحران» چیست؟ مگر کوشش برای عزل یک حاکمیت انتخابی پیش از ختم دوره مسولیت سیاسی آن، همین خودش تاسیس بحران نیست؟

چگونه است که این عالی جنابان خود را برای «انتخابات» کاندید کرده اند، اما خود شان تلاش دارند یک حکومت منتخب را، پیش از انتخابات جدید، عزل می کنند؟ چه کسی، ضمانت می دهد که با عزل دولت منتخب هرج و مرج کامل سیاسی مسلط نمی شود؟

جالب است که یکی از این کاندیدان قبلاً خودشان در همین دولت وزیر داخله بودند و مستعفی شدند! در همان زمان در توضیح دلیل استعفا خود گفتند که: «فشار از هر طرف بسیار زیاد بود!»

این جناب به «فشار بسیار زیاد» تسلیم شدند؛ چه بهبودی در نتیجه استعفا شان بوجود آمد؟ که حال مطابق به همان منطق، خود شان فشار بسیار از هر طرف وارد می کنند تا رییس جمهور را مجبور به استعفا کنند؟ اما رییس جمهور قدرت را به کی بسپارد؟ مطابق به کدام معیاری از «مشروعیت»؟

این سیاستمداران ما چه تیبینی از «امر سیاسی» را در نظر دارند؟ و اگر در میان سیاستمداران ما یک تیبیین روشن از «امر سیاسی» مفقود است، پس این عزیزان به کدام یک تیبیین از «دولت» رسیده اند؟ و اگر چنین تیبینی در میان این عزیزان مفقود است، پس مصروف چی رقم «سیاست» هستند؟

و این سیاستمداران ما به کدام تیبیین از «قدرت» رسیده اند؟ و اگر به این سیاستمداران ما خبر برسانیم که در کشور هایی بمانند افغانستان «قدرت مرده است»، پس این عالیجنابان برای چی مسابقه می دهند؟ برای «قدرت»؟ یا برای

«برداشتن قدرت»؟ و یا برای «برداشتن جنازه قدرت»؟  
آیا این کاندیدان محترم انتخابات ریاست جمهوری به «سخن برحق» رسیده اند؟ اگر این عالیجنابان از گفتن حقیقت باکی ندارند، پس چرا رو در روی طالب نمی ایستند؟  
اگر این کاندیدان محترم ریاست جمهوری به سخن برحق رسیده اند؟ پس چرا لویه جرگه صلح را تحریم کردند؟  
چون داکتر غنی می گوشت در لویه جرگه صلح بخود «مشروعیت» بدهد؟  
خیلی خوب!

اول: چرا غنی کوشش نکند که برای خود مشروعیت کسب کند؟  
دوم: اگر سخن برحق در دست شماست، چرا شما نمی کوشید در لویه جرگه برای خود مشروعیت کمایی کنید؟  
سوم: اگر یک مجمع ۳۰۰۰ نفری لویه جرگه دایر می شود، پس چرا این عالیجنابان این فرصت بسیار بزرگ را ضایع می کنند؟ و با تحریم لویه جرگه مجال کار برای تاسیس یک «اجماع ملی برای صلح» را استفاده ناشده می گذارند؟ مگر خودشان نمی گویند که صلح یک امر «ملی و همگانی» است؟  
گپ در همینجا است!  
این یک بازاریابی سیاسی بدون دسلاف در یک میدانی است، که سیاست از آن ربوده شده است!  
بلی! هر کسی فیه مافیه را خواند، حتماً جهان را به وزن و قافیه بخواند!

•  
مجلس قطر لغو شد!

چی واقع شد؟

هیچ!

برای بار اول میزبان سفارش کرد که کی با کی ملاقات کند!

بازی ادامه داشت! مذاکرات لغو شد! بازی ادامه دارد!

اصل و ناصل بیگسان معتبر و نافذ هستند؛ این جنگ یک نمایش نیست! در این جنگ نمایش ها باهم جنگانیده می شوند!  
بگفت معروف در جنگ افغانستان باید از سینما به شهر برویم، نه از شهر به سینما!  
در جنگ افغانستان، طالبان نگون ساخته شدند، تا طالبان برای قدرت «رنگون» ساخته شوند؛ آنهم «قدرتی» که هیچکس خبر ندارد که مرده است! این جنگ در یک جعبه ای از رمز جای داده شده است، تا افغانان «واقعیت» را دیده نتوانند؛  
چون واقعیت مرده است! و قدرت مطلق عزرائیل در دست همان است، که همان فریب زمان است!

•  
کی مجلس قطر را مختل ساخت؟

همه!

چرا؟

چون جنگ هنوز هم به اهدافی خدمت می کند!

چون صلح در افغانستان هنوز هم نیرومند تر از جنگ نیست!

چون همه چار چشم و چاردست مواظب هستند که مبدا تمایز میان دوست و دشمن در میان ما افغانان از بین برود!  
چون اشمیت بدرستی گفته بود که: «جنگ محصول دشمنی است»؛ اما هیچکس نگفت که ما افغانان چی دشمنی داریم؟  
چون روشنفکر افغان نه از جنگ تعریفی دارد؛ نه از صلح تعریف دارد؛ و نه تاکنون می داند که در این غایله در کجای قافله بار شده است!

روشنفکر ما نمی داند که جنگ در افغانستان از طریق عقب نشینی به «وضع طبیعی» ادامه دار ساخته شده است؛ و رسالت «جامعه مدنی» درست در همین است که «وضع مدنی» را در برابر «وضع طبیعی» تفوق ببخشد؛ و این مهم از این طریق بدست نمی آید که هر کس برای خود دکان «ملی و ترقیخواه» باز کند؛ بل از این طریق بدست می آید که یک «سقف همگانی مدنی» تاسیس شود؛ و برای ما این سقف سه ستون دارد: «افغان؛ هموطن؛ وطن»؛  
اما روشنفکر ما بر سر چارسوی حوادث گوش بزننگ نشسته است؛ زیرا «اینقدر هست که بانگ جرسی می آید»!  
یک هفته پیش «ایتلاف احزاب و سازمان های ملی، دموکرات و ترقی خواه افغانستان درباره مذاکرات صلح» یک اعلامیه داد؛ کی یک چنین سند نادقیق و متناقض و متعارض را اعلامیه نامیده است؟  
در این اعلامیه درج است که: «معادله نو قدرت» ایجاد شده و «مذاکرات صلح بین هیات های امریکا و طالبان در قطر که حمایت دولت های منطقه را هم با خود دارد، نشانه این تفاهم است»

---

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

معنای این سخن این است که معادله نو قدرت در میان امریکا و طالبان باعث شده است که «نشانه تفاهم» بوجود بیاید! این سیاستمداران ارشد افغانستان تا کنون هم متوجه نه شده اند که درست طی همین مذاکرات طالبان بحیث یک طرف «معادله نو قدرت» بر افغانان تحمیل می شوند؟

این سیاستمداران ارشد افغانستان تا کنون هم متوجه نه شده اند که معادله قدرت در جایی دیگر، در مثلث امریکا و چین و روسیه، دگرگون می شود؛ و برای ما تا کنون هم معلوم نیست که در این تحول معادله قدرت چه جایی برای طالبان توصیه می شود؟

در این اعلامیه درج است که «اجماع قبلی هیات بر طرح صلح یک ضرورت است» این بیان می رساند که «احزاب و سازمان های ملی، دموکرات و ترقی خواه افغانستان» تا هنوز درباره صلح «اجماع» ندارند!!

چرا این احزاب و سازمان ها این مهم را وظیفه خود قرار نداده اند که یک تبیین نو از اجماع ملی، و اجماع منطقی، و اجماع بینالمللی پیرامون صلح افغانستان چگونه باید باشد؟

چرا این احزاب و سازمان ها این مهم را وظیفه خود قرار نداده اند که از جانب خود، بر نقشه راه صلح داکتر غنی چه چیزی را افزود می کنند؟ در کدام زمینه و چرا با داکتر غنی موافق نیستند؟! اصلاً در کدام زمینه با داکتر غنی اختلاف دارند؟؟

در این اعلامیه و الانشان چه چیز نو که صلح را بشارت بدهد، و نزدیک تر بسازد، درج است؟

•  
مجلس قطر لغو شد؟

بلحاظ فنی لغو این مجلس یک دلیل داشت که همه مطلع نیستند!

قراری بود در روزاول مجلس دوحه یک بحث از نمایندگان هر دوطرف دایر شود و قراری بود استاد عبدالرب رسول سیاف خطاب به طالبان «قراءت» طالبان از اسلام را رد کند؛ و متکی به نص محکم ثابت بسازد که این طالبان که «مدعیان» اسلام هستند، قراءت شان از اسلام غلط است!

کسی «تلفونکائی کد» و طالبان را از این تصمیم مطلع ساخت؛ و طالبان که می دانستند قراءت شان از دین اسلام در اجلاس ۳۵ کشور اسلامی درمکه معظمه هم قاطعانه رد شده است، از این تصمیم استاد سیاف بسیار در هراس شدند، و مجلس را لغو کردند!

طالبانی که همه را بنام اسلام می کشند، عاجز هستند از این که از قراءت خود از اسلام دفاع کنند!

•  
ستره محکمه افغانستان حکم داد که دوره کار ریاست جمهوری داکتر غنی تا ختم انتخابات جدید ادامه دارد؛ بالاخره یک مرجع اعلائی قضایی بر یک مضحکه سیاسی مهر باطل گذاشت!

مگر جبر بود؟؟؟

خطاب به روشنفکر افغان می نویسیم:

این که روشنفکری افغان در گذشته «چپ» بوده است؛ و یا امروز، و هم اکنون، «چپ» است، این سوال را دیگر هیچکس نمی پرسد!

اما یک چیز را می پرسند: آیا داکتر غنی «چپ» است؟

به این سوال یک پاسخ قاطع داریم: نی داکتر غنی چپ نیست!

اما داکتر غنی همان مصدق افغانستان است!

سمال که اگر داکتر غنی از دست تان افتاد، شمال حوادث از استخوان تان گرد می سازد

---

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ